«وَأَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ؛1
و در میان مردم برای (ادای) حج بانگ برآور تا (زائران) پیاده و (سوار) بر هر شتر لاغری ـ که از هر راه دوری می‌آیند ـ به سوی تو روی آورند.» بانگ دعوت ابراهیم خلیل(ع) از بام تاریخ به گوش می‌رسد که همه انسان‌ها را به انجام فریضه حج دعوت می‌کند. ابراهیم، برپا کننده بیت العتیق،
با دستان آسمانی‌اش خانه‌ای ملکوتی بنا می‌کند که دل هر بیننده‌ای را مجذوب عظمت و معنویّت خود می‌کند.

تاریخ کعبه، تاریخ فراز و فرود پرستش خدا در زمین می‌باشد. زمانی عدّه‌ای با کمال خلوص و صفای دل در کنار آن به بندگی و عبادت مشغول بودند و آنجا را برای زائران و مجاوران آماده می‌کردند، زمانی عدّه‌ای کعبه را بتکده خویش کرده و محلّ پرستش هوا و هوس می‌کردند، دوباره کعبه از وجود چنین الهه‌های دروغین پاک گردیده و پرستشگاه دوباره خداپرستان گردیده است. شهر مکّه در عصر جاهلیّت، مرکز تجاری و از این رو، مورد توجّه بود و از اقصا نقاط عالم برای خرید و فروش بدان مکان می‌آمدند. در عین حال، این شهر برای جهانیان آن زمان، دارای ارج و منزلتی معنوی نیز بوده است. آیات و روایات به روشنی بیان می‌کنند که این شهر مرکز معنوی بوده و کعبه ارج و منزلتی خاص نزد اقوام مختلف داشته است. برای مثال، به دو نمونه اشاره می‌کنیم:الف) آیه 27 سوره حج بیان می‌کند که حضرت ‌ابراهیم(ع) مأمور به دعوت مردم آن زمان به انجام مراسم حج شده است.
ب) آیه 96 سوره آل عمران می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّۀَ مُبَارَکًا وَهُدًی لِّلْعَالَمِینَ» این آیه به گفته برخی از مفسّران هم دلالت بر جنبه معنوی کعبه می‌کند و هم جنبه مادّی آن، یعنی واژه «مبارکاً؛ خیر کثیر» بر جنبه‌ مادّی اشاره دارد و واژه «هدی للعالمین» بر جنبه معنوی.
از همین رو، در این مقاله ابتدا به جایگاه کعبه در نزد ملّت‌های آن زمان پرداخته می‌شود و سپس به جایگاه کعبه نزد ادیان و مذاهب مطرح در عصر جاهلی می‌پردازیم.

**اعراب :** پیش از ظهور اسلام، خانه خدا نزد اعراب ارج و منزلتی رفیع داشت و برای عرب، هیچ معبدی همانند کعبه دارای عظمت و منزلت نبود؛ زیرا آن را خانه خدا می‌دانستند2 و از هر سو به زیارت آن می‌آمدند و آن را بنای ابراهیم خلیل(ع) می‌دانستند. حج جزو دین عرب بود که با عامل توارث در بین آنها باقی مانده بود.3 حتّی می‌گویند: کعبه پیش از اسلام، در طول 27 قرن نزد اعراب دارای جایگاهی رفیع بوده است.4 از جمله شواهد بر این مسئله، قرار دادن بت‌های بزرگ در کعبه بوده است.5 در واقع، چون کعبه برای اعراب دارای ارزش و منزلتی رفیع بوده، بت‌های بزرگ خود را در آن قرار می‌دادند و با تعظیم کعبه، آن بت‌ها را نیز تعظیم می‌کردند.

**رومیان :** نزد رومیان نیز کعبه دارای قداست و منزلتی خاص بوده است. فاکهی در کتاب «اخبار مکّه» به نقل از یکی از اسرای مسلمان که در سرزمین روم اسیر بود، چنین می‌نویسد: مرا نزد پادشاه بردند، او از من پرسید: از کدام شهری؟ پاسخ دادم از شهر مکّه هستم. گفت: آیا «هزمه جبرئیل» را می‌شناسی؟ گفتم: آری. پرسید: آیا «بره» را می‌شناسی؟ پاسخ دادم: آری. گفت: آیا نام دیگری برای آن به یاد داری؟ گفتم: آری. امروز به زمزم شهره است. این اسیر مسلمان می‌افزاید: آنگاه پادشاه از برکت زمزم سخن گفت و افزود حال که چنین می‌گویی، ما در کتاب‌هایمان خوانده‌ایم که اگر کسی به مقدار کف دست از آن آب بر سر بریزد، هرگز خوار و ذلیل نمی‌گردد.6
همچنین نقل شده که وقتی اسکندر بر اهل مکّه (خزاعه) غلبه پیدا کرد و آنها را از مکّه بیرون کرد، حجّ بیت الله به جا آورد.7
فاکهی از مجاهد نقل می‌کند: به سرزمین روم رفتیم، در آنجا راهبی بود که در شب ما را منزل داد. او از ما پرسید: آیا در میان شما کسی هست که از شهر مکّه آمده باشد؟ گفتم: بله. گفت: آیا می‌دانی میان زمزم و حجر چقدر فاصله هست؟ گفتم: نمی‌دانم، مگر از روی حدس و تخمین بگویم. گفت: امّا من می‌دانم، آب زمزم از زیر حجر جاری است و اگر نزد من یک مشت از آن آب باشد، دوست‌تر دارم تا تشتی از طلا داشته باشم.8
این اخبار و امثال آن بیانگر این است که کعبه برای مردم روم دارای قداست و ارزش خاص بوده است.

**ایرانیان :** کعبه در نزد اقوام مختلف ایرانی دارای ارج و منزلتی خاص بود و اسلاف ایرانیان (فُرس) برای زیارت کعبه و طواف آن، عازم سرزمین حجاز می‌شدند و برای کعبه هدایایی می‌فرستادند. برای نمونه، ساسان فرزند بابک اردشیر حج به جا آورد و آب زمزم را مزمزه کرد. حتّی گویند به خاطر همین، چاه زمزم به «زمزم» معروف گشته است.9 بعضی از شعرای ایرانی پس از ظهور اسلام، زیارت و طواف کعبه را پیش از اسلام برای خود افتخار می‌دانستند. همچنین در تاریخ آمده است که ایرانیان هدایای نفیسی برای کعبه می‌فرستادند. مثلاً ساسان بن بابک دو غزال از طلا و شمشیرهایی از جواهر و طلا برای کعبه فرستاد.10 شاید دلیل تعظیم و احترام حج توسط ایرانیان به این سبب باشد که بعضی از ایرانیان گمان می‌کردند که روح هرمز در کعبه حلول کرده و شاید به همین دلیل طواف و حجّ آن را به جا می‌آوردند.11

**یمنی‌ها :** یمنی‌ها مانند سایر مللی که با سرزمین حجاز در ارتباط بودند، برای کعبه اهمّیت و ارزش خاصّی قائل بودند و برای انجام مراسم حج، بدان سرزمین مسافرت می‌کردند.12 در تأیید این مسئله نیز می‌توان گفت:الف) در سنگ نوشته‌هایی که در مسجد الحرام دیده شده است، به نوشته‌هایی برمی‌خوریم که نشانگر این است که قبایل یمنی در ایّام جاهلی، حج به جا می‌آوردند و ارتباط آنان با مکّه بسیار بوده است.
ب) مسئله پوشش کعبه که یک سنّت دیرینه می‌باشد، به اسعد ابوکرب که از اهالی «تبع» از قبایل «یمن» می‌باشد، برمی‌گردد13 و این امر خود گواه بر ارج و منزلت کعبه نزد آنان است.
ج) شواهدی وجود دارد که «طلسی‌ها» که بین «حمس» و «حلّه» زندگی می‌کردند، برای زیارت به مکّه می‌آمدند.